

گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان با استناد به متون تاریخ طب اسلامی

سعید حمیدی

چکیده

مطالعه متون تاریخ پزشکی نشان می‌دهد آثار پزشکان اسلامی صرفاً فرهنگ‌نامه‌ای پزشکی، مبتنی بر تجویزات طبی و مداوای بیماری‌ها نبوده است، بلکه آنان در جایگاه اندیشمندی دین‌دار، مکتوباتی را به یادگار گذاشته‌اند که علاوه بر ارائه دستاوردهای علمی و تجربی، هویت خویش را در چارچوب عقاید دینی تعریف نموده‌اند. بطوریکه متون گوناگون در حوزه پزشکی، از پیشگیری و شناسایی بیماری تا درمان آن، جملگی متأثر از جهان بینی الهی و باورهای عقیدتی پزشکان اسلامی و از آنجا که گزاره‌های اعتقادی منبعث از آراء آنان جزء سنت‌های برجسته در حیات علمی طب اسلامی بوده است، بررسی این موضوع می‌تواند ضمن بازکاوی همسویی مناسبات علمی پزشکان قدیم با شاخص‌های عقیدتی آنان، الگویی مطلوب و توحیدی را باهدف بومی‌سازی دانش پزشکی عینیت بخشد.

تحقیق حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام‌گرفته درصدد شناساندن دیدگاه‌های ربانی پزشکان اسلامی و به تصویر کشاندن گزاره‌هایی جامع و کارآمد برای پزشکی نوین بوده و با تأکید بر منش دینی پزشکان گذشته، جرفه پزشکی را پیوسته در مدار ایمان و عمل ثابت قدم نماید.

کلیدواژه‌ها: پزشکان مسلمان، گزاره‌های اعتقادی، منابع تاریخی

مقدمه

مسئله پیش روی تحقیق حاضر آن است که پزشکان مسلمان همگام با حرفه طبابت، بر پایه کدام یک از مبانی اندیشه‌ای استوار بوده‌اند؟ به عبارت دقیق‌تر، به استناد متون تاریخ پزشکی پایبندی پزشکان اسلامی به کدام گزاره‌های اعتقادی قابل ردیابی و بررسی است؟

همسویی دانش پزشکی با آموزه‌های الهی از منظر پزشکان اسلامی امری مسلم بوده است، بنابراین پزشکان مسلمان چه در مبانی علمی و چه در مبادی عملی، هیچ‌گاه ایمان قلبی به جهان بینی توحیدی و اقرار زبانی به ادبیات توحیدی را در تعارض با روش علمی و تحقیقات طبی خویش نمی‌دانستند. بطوریکه آمیختگی میان علم و دین در سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه در سنت بهداشت و درمان، چنان برجستگی داشت که در سراسر تاریخ علم در دوره اسلامی چهره مرکزی و اصلی انتشار و انتقال علوم را «مرد حکیمی» تشکیل داده است که وی عموماً پزشک نیز بوده است. به بیان دیگر ارتباط میان حکمت و طبابت آن چنان پایدار بوده که هم فیلسوف و هم پزشک را بنام «حکیم» می‌خواندند. در همین راستا استفاده از اصطلاح حکیم برای پزشکان شهرهای اسلامی، تأثیر شگرفی را در قضاوت‌های مردم نسبت به طبیب ایجاد نموده بود. بطوریکه عموماً مردم از پزشکان توقع داشتند که مردی بافضیلت و متقی باشد و هرگز ذکاوت علمی و قدرت عقلانی وی، موجب ضعف انکاء و اعتقاد وی به خداوند متعال نگردد؛ بنابراین مهارت علمی و عملی به همراه تعهد دینی و اخلاقی، شاکله شخصیت پزشک و پزشکان مسلمان را تشکیل می‌داد. (۱)

به عبارت دیگر و به اذعان منابع تاریخ پزشکی، یافته‌های دقیق و صحیح دانش طب و طبابت هیچ‌گاه در تعارض و تقابل با گزاره‌های مسلم دینی قرار نگرفته است؛ تا جائیکه تلقی عموم از پزشک این بود که او واسطه و وسیله افاضه شفا

از طرف خداوند است. با استناد به چنین دیدگاهی، طبیب حاذق کسی بود که جامع علم و دین باشد و نباید که حاجب بین بیمار و خدا باشد. لذا اینکه طبیب با عمل و اندیشه خویش آینه و آیة صفات الهی گردد، از صفات بارز طب و طبابت اسلامی بوده است. چنانچه نظامی عروضی در چهارمقاله می‌گوید: طبیب می‌بایست « رقیق الخلق و حکیم النفس و جید الحدس» باشد... و هر طبیب که شرف نفس انسان نشناسد، رقیق الخلق نبود و تا منطق نداند حکیم النفس نبود و تا مؤید به تأییدات الهی نباشد، جید الحدس نبود. (۲) با این اوصاف پژوهش حاضر در جهت تأکید بر این موضوع که پزشکان مسلمان متأثر از نگرش‌های عقیدتی بوده‌اند و این تأثیرپذیری در منابع و مکتوبات آنان قابل مشاهده است، به بازکاوی منابع تاریخ پزشکی همت گمارده است. بطوریکه با مراجعه به آراء و نظریات متون طبی، تلاش گردیده است تا چارچوب نظری که پیوسته مفروض پزشکان مسلمان قرار گرفته و در آثارشان نمایان گردیده بازکاوی شود. همان مؤلفه‌ها و مبانی اعتقادی ذیل جهان بینی الهی که پزشکانی به‌مانند ابن سینا از آن‌ها به‌عنوان «مبادی علوم جزئی» تعبیر نموده‌اند. (۳)

لذا این تحقیق از سه جهت، اهمیت و ضرورت دارد. اول اینکه رابطه پیشرفت علمی و ایمان دینی دانشمندان اسلامی را در تاریخ فرهنگ اسلامی معرفی نموده و یک مصداق عینی و روشن از پیوند علم و دین را ارائه می‌نماید. دوم اینکه تصریح می‌گردد هیچ‌گاه اندیشه دینی نه تنها با روش و شیوه‌های کاربردی در احصاء دستاوردهای علمی مخالفت نداشته است، بلکه نگرش دینی با استناد به طرح‌واره‌های معرفتی می‌تواند راهبردهای تحقیقات علمی را عینیت بخشد.

بازیابی نگرش اعتقادی و جهان بینی توحیدی پزشکان اسلامی، می‌تواند به گمانه‌زنی‌های ناآگاهانه در جهت تعارض بین علم و دین ساخته و پرداخته برخی ملحدین غربی،

خط بطلان بکشد. در حوزه علم پزشکی نیز قادر خواهد بود بر استحکام پیوند بین تحقیقات طبی پزشکان اسلامی با گزاره‌های عقیدتی بیفزاید.

پیشینه تحقیق

بررسی کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات و سایر منابع مرتبط با موضوع، حاکی از آن است که علی‌رغم اهمیت موضوع تاریخ پزشکی و انتشار دستاوردهای ارزشمندی در حوزه اخلاق و حرفه پزشکی در ارتباط با گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان که با استناد به متون تاریخ طب اسلامی انجام‌گرفته باشد، پژوهشی مستقل کمتری به چشم می‌خورد.

بطوریکه اکثریت مقالات، صرفاً به حوزه عام اخلاق پزشکی توجه داشته‌اند. گلشنی و سرفرازی (۱۳۹۶)، در بخشی از تحقیق خود با عنوان بررسی مبانی اخلاق پزشکی، به کتاب «الرساله فی بیان الحاجه الی الطب و الپزشکان و وصایاهم» توجه داشته‌اند. چاوشی و علی‌انسیب (۱۳۹۵) در تحقیقی کوشیده‌اند کتاب «ادب الطیب» اثر معروف اسحق بن علی الرُّهاوی و کتاب «خلاصه الحکم» حکیم میر محمدحسین عقیلی خراسانی را بررسی و رهنمودهای اخلاقی آنان را در حیطه خدمات درمانی و بهداشتی به دست آورند. بطوریکه این آثار درصدد بیان توصیه‌های اخلاقی پزشکان مسلمان قرارگرفته‌اند. لیکن پژوهش حاضر تلاش داشته است تا با بررسی جامع‌تر و نگاهی جدیدتر، به طور مستقل جهت‌گیری‌های عقیدتی پزشکان مسلمان و همچنین گزاره‌های ربانی آنان را در حین تحقیقات بالینی گردآوری نماید.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با نگرش توصیفی و تحلیلی انجام‌شده و به بررسی برخی اصول عقیدتی پزشکان مسلمان می‌پردازد. بطوریکه روش تحقیق، مبتنی بر گردآوری

اطلاعات کهن و اخذشده از نسخه‌های تاریخی به‌مانند کتاب القانون فی طب، الحاوی و ذخیره خوارزمشاهی است. همچنین برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، کلیدواژه‌هایی به‌مانند "مفاهیم معنوی" از منظر پزشکان اسلامی، "آراء پزشکان اسلامی" و "جهت‌گیری دینی پزشکان مسلمان"، در سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی جستجو شدند و در ادامه، مقالات همسو باهدف پژوهش انتخاب، فیش‌برداری و جمع‌آوری گردیده و سپس کدگذاری، طبقه‌بندی و درنهایت تجزیه‌وتحلیل شده و نتایج نهایی مکتوب گردید.

روش کار

منابع این مقاله متون تاریخ پزشکی و رساله‌های کهن طب اسلامی و مقالات گوناگون نگاشته شده در زمینه تاریخ طب و طبابت در سرزمین‌های اسلامی، پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی متعدد از جمله Magiran, Elsevier, Springer, Ovid و همچنین موتورهای جستجوی Google Scholar است.

یافته‌ها

گزاره‌های اعتقادی در حیات علمی پزشکان مسلمان

بهره‌مندی از مفاهیم ربانی

یکی از شاخص‌های اساسی پزشکان مسلمان، ایمان راسخ پزشک به خدا و خشوع در برابر او و ایمان به عالم آخرت و کسب اعمال خیر و ترک افعال شر برای دریافت پاداش اخروی است. (۴) این در حالی است که بسیاری از متون پزشکی در تاریخ کهن طب اسلامی، بابتان حمد و ثنای الهی و اشاره به اسماء و صفات خداوند آغاز می‌شوند. (۵) این نوع جهان‌بینی توحیدی تا بدان جاست که حتی بسیاری از پزشکان اسلامی، یکی از فواید دانش پزشکی و همچنین الزامات طبابت را شناخت اسماء و صفات خداوند ذکر نموده‌اند. (۴) رهاوی - از پزشکان قرن سوم هجری - اولین شرط اخلاقی پزشک را

گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان با استناد به متون تاریخ طب اسلامی

اعتقاد صحیح به خدای خالق، قادر، حکیم، محیی، ممیت، ممرض و مشفی می‌داند. (۷) وی در باب اول کتاب خود بنام «ادب الطیب» بارها به وحدانیت خداوند، اعتقاد به شریعت و نیز ثواب و عقاب اخروی اشاره می‌کند و پیوسته پزشکان را از شنیدن آراء ملحدانه منع می‌نماید. (۷) ابن سینا در کتاب نفیس «القانون فی طب» که بزرگ‌ترین دائرة المعارف پزشکی عصر او بوده و یکی از دستمایه‌های مسلمین طب نوین است، بارها عظمت خالق منان را ستوده، بانام او آغاز کرده و به یاد او ادامه داده و با لطف او به اتمام رسانده است. وی در آغاز کتاب می‌گوید: ستایش باد یزدان را که سزاوار ستایش است به سبب بزرگواری اش و کثرت الطافش و درود بر سرور و پیامبر ما محمد (ص) و دودمان پاک و مطهر او. (۳) ابن سینا در سراسر کتاب ذی‌قیمت قانون، بارها بر خالق توانا درود می‌فرستد و گویی در بخش‌های مختلف ارگان‌های بدن، به جستجوی خداوند می‌پردازد و او را می‌یابد... چنانچه نگرش الهی و رویکرد خاضعانه به نتایج حاصل شده از تحقیقات طبی و به‌ویژه این سبک کتابت، به‌طور مرتب و بارها در نوشته‌های شیخ‌الرئیس به چشم می‌خورد. (۳)

چنین تقریرهای ارزشمند که نشان از نگرش ربانی پزشکان مسلمان بوده است، حتی در حین تحقیقات طبی و علمی نیز قابل جستجو و مشاهده است. برای نمونه ابن سینا در آثار علمی خود به هنگام تشریح اعضای بدن انسان و یا در بیان ارکان و مزاج‌ها و در حین مواجهه با اتقان و نظم و هماهنگی شگفت‌انگیز در طبیعت و فیزیولوژی بدن انسان، به خالقیت، رازقیت، حکمت، علم، قدرت، سمیع و بصیر بودن خداوند در صنع موجودات اشاره کرده است. (۸) وی در حالی که با جدیت مشغول توصیف آناتومی و فیزیولوژی دستگاه گوارش است، ناگهان با مشاهده آن‌همه هدف‌داری در خلقت بدن، جلوه جمال حق را مشاهده کرده؛ بی‌اختیار عنان از کف می‌دهد و نه در حاشیه و پرانتز، بلکه در ادامه متن کتاب با عظمت قانون،

به ذکر هدف‌داری در ساختمان و عمل روده‌ها می‌پردازد. (۸) شیخ‌الرئیس در ادامه ضمن تشریح کارکرد کلیه‌ها و مثانه و عظمت کارآیی این دستگاه، بار دیگر به ستایش عظمت خلقت بدن پرداخته (۸) و هدف‌داری در تغییرات آناتومیک بدن خانم‌های باردار به‌منظور آمادگی کامل جهت زایمان طبیعی، به‌عنوان جلوه دیگری از جمال زیبای خالق متعال، در محتوای کتاب، او را به ستایش آفریدگار وامی‌دارد. (۳) وی پس از نگارش چند سطر به‌عنوان مقدمه، چنین ادامه می‌دهد: «اگر به یاری یزدان بزرگ این کتاب پایان پذیرد، در تعقیب آن کتاب «اقربا بدین» را تألیف می‌کنم؛ و آن کتابی است که هر کس دعوی حرفه طبابت کند و بخواهد در این پیشه توشه‌ای به دست آورد، لازم است آن را داشته باشد و بر محتوای آن آگاه گردد... لیکن اگر خداوند اجل در اجل مهلتی دهد و سرنوشت مرا یاری کند، کوشش دیگری در این زمینه در پیش دارم... (۳) همچنین پزشک نامدار جهان اسلام و ایران، زکریای رازی نیز پیوسته در ضمن بیان ساختار هر یک از اجزای بدن انسان، به خالقیت، علم، قدرت و حکمت بالغه الهی اشاره می‌کند (۹) بی‌تردید چنین دیدگاهی از جانب اندیشمندان پزشک و بکار بردن ادبیات توحیدی که بیان‌گر عمق نگرش آنان به صفات خالق هستی است، توانست راهبردهای تلفیق بین دانش پزشکی را با دانش خداشناسی تقویت نماید؛ بطوریکه علاوه بر نتایج تجربی و دستاوردهای مسترگ در حوزه طبابت، این متون کهن و آثار و آراء پزشکان مسلمان به‌مثابه دفتر شناخت اسماء و صفات الهی قابل تأمل و بهره‌برداری است.

توجه به مسبب‌الاسباب بودن خدا

دانش پزشکی اخذشده از فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی، پیوسته با استناد به بینش ناب قرآنی (شعرا/۸۰) شفا دهنده و درمان‌کننده حقیقی را خداوند متعال می‌داند. بطوریکه طب اسلامی مروج این اندیشه الهی است که همه

آنچه در عالم طبیعت سبب درمان بیماری می‌گردد، خاصیتی است که خدا به آن‌ها عطا کرده است؛ بطوریکه هرکدام از آن‌ها مجرای فیض شفا بخشی از جانب خداوند هستند و از خود هیچ اثری ندارند. (۱۰) به بیان دیگر از دیدگاه پزشکان مسلمان، خداست که جمادات، نباتات، حیوانات، نور، ظلمت، آب و هوا، درمان دردهای انسان را آفریده است و لذا هیچ دردی نیست که خداوند درمان آن را نیافریده باشد. (۱۱) آنان با الهام از روایت منقول از پیامبر (ص) که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدِّاءَ وَ الدِّوَاءَ وَ جَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوُوا وَ لَا تَدِدُوا بِحِرَامِ» (۱۸)؛ باور داشتند که هر دردی را دوابی است و طبیب می‌بایست تلاش نماید تا درمان هر دردی را با استفاده از اصول و مبانی دانش پزشکی، از دل طبیعت کشف نماید و اینکه می‌بایست درمان درد با رعایت حریم شریعت الهی باشد. با این اوصاف پزشکان گذشته در سرزمین‌های اسلامی معتقد بودند که طبیب جلوه رحمانیت و رحیمیت خداوند است و شفای بیماران با اراده خداوند ولیکن از طریق پزشک حاذق، محقق می‌گردد. به اعتقاد آنان اگر خداوند خاصیت شفا دهندگی را از پزشک و دارو بگیرد و ذهن او را در تشخیص صحیح بیماری و درمان آن گمراه کند، از پزشک هیچ کاری ساخته نیست؛ به عبارت دیگر پزشکان مسلمان، نه تنها بین اسباب عادی پدیده‌ها و اراده الهی، منافات احساس نمی‌کردند، بلکه راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را تحصیل اسباب سعادت دانسته و روح عبودیت پزشک را از قواعد حاکم بر معالجه می‌دانستند. از این رو برای درمان بیماری‌ها، رجوع به پزشک و انجام اسباب حفظ صحت و دفع امراض و استعمال دارو را با اعتقاد به تقدیر الهی، لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانستند. تا جائیکه برخی از آنان صراحتاً برای این چنین اقداماتی، اجر اخروی نیز قائل بودند. (۱۲)

به علاوه پزشکان مسلمان در آثار و متون خویش به عدم تعارض بین سببیت پزشک و دارو از یک سو و مسبب‌الاسباب

بودن خداوند از سوئی دیگر تصریح نموده‌اند. چنانچه نوشته‌اند: «اللَّهُ تَعَالَى بِهٖ هِیْجٌ سَبَبِیٌّ دَر هِیْجِ فَعَلِیِّ اِحْتِیَاجٌ نَدَارِدُ، چِه اُو قَادِر اَسْتُ کِه بِی اَعَانَتِ سَبَبِ و اَلْتِ، جَمِیعِ مَوْجُودَاتِ رَا اِیْجَاد کُنْد و حَوَادِثِ رَا اِحْدَاثِ نَمَیْد. لَیْکِن اَسْبَابِ رَا پَرْدِه ذَاتِ خَوِیْشِ گَرْدَانِیْدِه تَا حَکْمَتِ اُو ظَاہِر شُود و اَرْبَابِ ظَلَالَتِ، بِه اَسْبَابِ، ضَلَالَتِ یَابِنْد؛ چِه اَسْبَابِ، حِجَابِ اِیْشَانِ نَمِیْ شُود و بَاوِجُودِ اَسْبَابِ، حَوَادِثِ رَا بِه اُو اَسْتِنَادِ مِیْ کُنْد. چِه اَهْلِ هِدَایَتِ، بِه تَحْقِیْقِ مِیْ دَانَنْد کِه جَمِیعِ اَفْعَالِ، فَعْلِ حَقِّ اَسْتُ و اَسْبَابِ، پَرْدِه اَوِیْنْد و سَبَبِیٌّ اَز اَسْبَابِ رَا اَثْرِیٌّ اَز اَثَارِ نِیْسْتُ. (۱۱)

در متن دیگری آمده است: «طبیب باایمان و موحد می‌بایست ملتفت باشد که تهیه اسباب را از خداوند بخواهد؛ و اثر آن‌ها را به اراده حق داند و توجه به اسباب و انجام آن‌ها را مجرد امتثال داند؛ مثل اینکه نجات را از خداوند باید خواست و توفیق ارتکاب طاعات را هم از او باید مسئلت نمود. لیکن برحسب تکلیف می‌بایست اطاعت را بجا آورده باشیم. پس باید همگان چه طبیب، چه مریض و چه کاسب و زارع و طالب دولت و ثروت و طالب علم و عزت، جملگی تهیه اسباب این‌ها را از خداوند بخواهند و همگان در قلب، ملتجی به حضرت حق باشند. چراکه خداوند اسباب را فراهم نماید و اتیان به اسباب را به مجرد اینکه مأمور است، به آن نماید... پس ضروری است طبیب در علاج بیمار و در تجویز اشربه و ادویه، ترتیب اثر را از خداوند و از او بخواهد. از این جهت است که توکل به هیچ وجه منافی با اتیان به اسباب نخواهد بود. (۱۲) اینکه در منابع کهن پزشکی بارها بعد از معرفی بیماری و بیان راه درمان آن، عبارت «ان شاء الله» آمده است، نشان می‌دهد که پزشکان مسلمان به تقدیر الهی و غالب بودن اراده خداوند بر هر سببی از اسباب، ایمان داشتند. بطوریکه پزشک مسلمان هر چند که مهارت تمام در تشخیص و درمان بیماری داشته باشد و همه امکانات و تجهیزات فنی و تکنیکی خود را برای شناسایی

گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان با استناد به متون تاریخ طب اسلامی

مرض و مداوای آن بکار گیرد؛ لیکن با تعبیری همچون «ان شاء الله» و یا «بذن الله»، اثربخشی دارو و درمان درد را منوط به اراده الهی می‌داند و از توکل به خداوند و توجه به علت‌العلل بودن پروردگار، غفلت نمی‌کند. بلکه اعتمادش به تقدیر و اراده الهی و خدای سبب‌ساز، بیش از مهارت علمی و امکانات خودش است. (۱۳) در عین حال که کسب فنون دانش پزشکی و همچنین شناخت بیماری‌ها و درمان آن‌ها به وسیله اسباب عادی را، به هیچ وجه منافی با اراده مطلقه الهی نمی‌بیند.

بررسی متون تاریخی بیانگر آن است که بسیاری از پزشکان در تقریرهای خویش وقتی خواص مزاج‌ها یا داروها و یا اثرات یک شیوه درمان را بیان می‌کنند، در پایان آن تعبیر «و الله أعلم» را آورده‌اند. (۱۴) چنین مضامین متعبدانه در عین حال که نشانه تواضع علمی و توکل ایمانی پزشک به خداست، اتکال طبیب اسلامی را به اراده و مشیت الهی تصریح می‌نماید. چنانچه رازی در مقدمه کتاب مشهور خود بنام «المنصوری فی الطب» باین عبارت «و ما توفیق إلا بالله، علیه توکلت» (۹)؛ ایمان و توکل خود به خدا را ابراز می‌نماید.

رُهاوی نیز در مورد سلوک معنوی پزشک و توجه به علت‌العلل بودن خداوند می‌نویسد: «پزشک می‌بایست در شغل طبابت خویش بعد از اعتقاد به خدا، محبت داشتن به پروردگار و همچنین توجه دادن ذهن و فکرش به قدرت لایزال الهی را سرلوحه حرفه طبابت قرار دهد. به گونه‌ای که محبت خداوند بر وجود طبیب زبردست، سیطره پیدا کند و تمام اعمال و رفتار پزشک را در حین معالجه تحت تأثیر قرار دهد. (۷) در حقیقت پزشکان اسلامی بر این امر واقف بودند که نگرش‌ها و گرایش‌های اعتقادی بر اندیشه و عمل پزشک تأثیر گزار است و اگر این نگرش‌ها و باورها با آگاهی و توجه همراه باشد، تأثیر عمیق بر شخصیت اخلاقی و معنوی پزشک خواهد گذاشت. چنانچه اگر طبیب ایمان راسخ به خداوند داشته باشد و تنها او را عالم و قادر و ناظر بر اعمال خود بداند

و هیچ اتفاقی را خارج از اراده و قدرت و تدبیر الهی نداند، آنگاه مستغرق در محبت خداوند خواهد بود و در نتیجه در های حکمت به روی او گشوده شده و این افاضه الهی، پزشک را در مراحل تشخیص و درمان یاری خواهد نمود.

اقرار به ضرورت التزام عملی در شریعت اسلامی

یکی دیگر از گزاره‌های اعتقادی که پزشکان مسلمان پیوسته بدان اتکاء داشته و در مکتوبات آنان بارها قابل مشاهده است، ضرورت التزام عملی آنان به مؤلفه‌های شریعت اسلامی است.

رازی در مقدمه کتاب «من لا یحضره الطبیب» پس از بیان حمد و ثنای الهی به درگاه خداوند، اظهار شکر می‌نماید که توفیق ایمان به اسلام و ایمان به نبوت پیامبر (ص) را پیدا کرده است. (۵)

وی همچنین در مواردی متعدد از کتاب «السیره الفلسفیه» بر ضرورت رعایت اوامر و نواهی الهی و کسب رضای خدا و پرهیز از انجام یا ترک اموری که موجب غضب خدا و عقوبت اخروی می‌گردد تأکید می‌کند. (۱۰)

ابن سینا نیز ضمن توصیه رعایت امور بهداشتی و اسباب حفظ صحت به بیماران، آن‌ها را به انجام واجبات شرعی و نماز و تسبیح و شکر خداوند ترغیب و تشویق می‌نماید. (۸) رُهاوی ضمن اشاره به حکمت الهی در خلقت عالم و همچنین وجود عالم آخرت و عذاب‌های اخروی، پزشکان را از انکار و نقض احکام شریعت بر حذر می‌دارد. به اعتقاد وی چنین امری ناسپاسی در برابر نعمات بی‌شمار خداست؛ که هم در دنیا و هم در آخرت موجب شقاوت و عذاب الیم می‌گردد. (۷) رهاوی ایمان و عمل پزشک به شرایع الهی را موجبات فلاح و رستگاری وی می‌داند؛ این پزشک مسلمان به پزشکان هشدار می‌دهد که مبدا تحت تأثیر گمراهان، از شریعت الهی اعراض نمایند. او معتقد است که دلیل انکار حقانیت شریعت

از ناحیه منکران، چیزی جز جهالت نیست. (۷)

رهاوی در جای دیگری باین بیان مطلب که «الفقر مع الحلال أصلح من الغنی مع الحرام» [ترجمه]: تهی دستی از راه حلال بهتر از بی نیازی از راه حرام است؛ پزشکان را به رعایت حلال و حرام و حفظ کرامت خود در برابر وسوسه های مادی توصیه می کند. (۷) در بیان رهاوی سومین ویژگی اخلاقی پزشک اعتقاد صحیح به نبوت و رسالت انبیاء معرفی گردیده است: وی می نویسد: «و الأمانه الثالثه إن یعتقد أن لله رُسلًا إلى خلقه هم انبیاءه، أرسلهم الی خلقه بما یصلحهم، إذا العقل غیر کاف فی کل ما یصلحهم دون من رسل ما شاء و کیف شاء فی الوقت الأصلح». (۷) رهاوی امراض گوناگون را نتیجه اعمال سیئه و تمرد از دستورات الهی می دانست. (۷)

نظامی عروضی یکی از ویژگی های لازم برای طبیب را تعظیم شریعت الهی و اطاعت از امرونهی خدا می داند و می نویسد: «طبیب می بایست که نیکو اعتقاد باشد و امرونهی شرع را معظم دارد». (۲) محمد حکیم بن مبارک در کتاب «نصیحت نامه سلیمان» در ذیل بحثی با عنوان «تدبیرات شرعی» با استناد به آیه ۱۷ سوره رعد و آیه ۵۲ سوره نمل می گوید: «بدان که به نصّ قرآن عظیم، احسان و نفع عمیم به مردمان، سبب سلامتی و موجب درازی عمر باشد و مستلزم خلاصی از همه بلاهاست؛ خواه که و با و طاعون باشد یا غیر آن و چنانکه نفع و احسان، سبب درازی عمر گردد؛ بی نفعی و ضرر بر مردمان، سبب کوتاهی عمر است». (۱۱) همچنین پزشکان اسلامی در منابع طبیبی خویش با استناد به برخی آیات قرآن کریم (ر.ک: بقره/۱۹۵)، بر رعایت حدود شرعی و فقهی تأکید نموده اند. (۱۲) از دیدگاه آنان و به لحاظ فقه اسلامی، طبیب و پرستار می بایست حریم الهی را در شیوه معاینه بیماران و تجویز داروها رعایت نمایند و از راه صحیح و مجاز شرعی، به درمان بیمار بپردازند. مگر اینکه درمان بیمار منحصر در ارتکاب فعل حرام باشد. (۱۶) پزشک نامداری بنام القرشی

تحصیل طب را همچون فقه برای جامعه اسلامی لازم می داند و در ادامه می نویسد: «باید پزشکان نزد محتسب سوگند یاد کنند که به کسی داروی زیان بخش ندهند و با سمّ ترکیب نکنند و داروی سقط جنین را به زنان و داروی قطع نسل را به مردان نگویند و چون نزد مریض آیند، از نگرستن به محارم چشم پوشند و رازها را فاش نسازند و هتک حرمت نکنند و از کار های ناروا بپرهیزند». (۱۷)

بی تردید مطالعه چنین مکتوبات و منقولات ارزشمندی بیانگر این نکته است که پزشکان اسلامی توجه وافر را به امر شریعت اسلامی داشته اند؛ بطوریکه این نوع از جهان بینی به عنوان قاعده حاکم بر طبابت محسوب شده است. البته واضح است که استناد آنان به آیات قرآن و روایات اسلامی، پس از اثبات مدعا با روش های تجربی و برای تأیید یافته های علمی صورت گرفته است و چنین نبوده که آنان نتایج پزشکی خود را صرفاً با آیات و روایات و به دوراز تحقیقات طبی اثبات کنند.

اعتقاد به طب الروحانی

بازگویی گزاره های اعتقادی پزشکان مسلمان مبین این نکته است که آنان با اتکا به روایاتی همچون روایت مشهور نبوی (ص) که فرمودند: «العِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَدْبَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ» (۱۸)، همواره دانش پزشکی را در کنار حوزه دین شناسی قرار داده اند. از دیدگاه پزشکان گذشته، همان طور که شناخت دین و عمل به دستورات الهی موجب سعادت دنیوی و اخروی انسان می گردد، دانش پزشکی نیز با شناسایی حقائق، ظرایف و دقائق عالم خلقت، انسان را در شناخت اسماء و صفات خداوند یاری می رساند. علاوه بر آن به اعتقاد بسیاری از پزشکان حاذق و دین مدار، حفظ صحت بدن و درمان بیماری ها، امکان شناخت تکالیف شرعی و توانایی انجام واجبات و ترک محرّمات و عمل به وظائف بندگی را فراهم آورده و بدین طریق علم ابدان در پیوند با علم

گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان با استناد به متون تاریخ طب اسلامی

ادیان، انسان را به عنوان اشرف مخلوقات به سعادت حقیقی و جاودانه می‌رساند.

از همین حیث در آثار پزشکان مسلمان دو نوع اثر می‌توان مشاهده نمود. آثاری که برای مداوای بیماری‌های اخلاقی و روانی نگارش یافته و تحت عنوان «طب روحانی» شهرت دارند؛ و نیز مکتوباتی که باهدف مداوای امراض جسمانی و غالباً با عنوان «طب جسمانی» تألیف شده‌اند. (۱۹) در اثبات چنین جهت‌گیری متعالی می‌توان از باب نمونه به دو اثر مشهور رازی اشاره نمود. یکی از این متون تاریخی کتاب «الحاوی» است که به پیش‌گیری و درمان بیماری‌های جسم می‌پردازد؛ و دیگری رساله «طب الروحانی و طب النفوس» است که در آن به تبیین اصول و قواعدی پرداخته شده که موجبات سلامتی روح انسان‌ها را فراهم می‌آورد. امری که بی‌تردید می‌تواند سیر علاج بیماران را هدایت و تقویت نماید.

همچنین در میان آثار ابن‌سینا نیز دو اثر سترگ وجود دارد. یکی کتاب «شفا» است که نخستین دائرةالمعارف علوم و فلسفه در عالم اسلام به شمار می‌آید و دیگری کتاب جامعی با عنوان «القانون فی طب» است که مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب پزشکی ابوعلی سینا به شمار می‌رود.

بی‌تردید ابن‌سینا بانام گذاری کتاب فلسفی خویش به شفا و کتاب پزشکی‌اش به نام قانون، می‌خواهد اعلام نماید که اهمیت طبّ النفوس نزد وی کمتر از طب اجساد نیست. به‌علاوه فلسفه او متأثر از طب و طب او متأثر از فلسفه اوست؛ و این تعبیر پیشینیان که فلسفه، طب روح است و طب، فلسفه بدن است، ناظر بدین حقیقت بود. (۲۰) چراکه از نظر پزشکان مسلمان تندرستی تنها ملاک سلامتی و خوشبختی نیست، بلکه بی‌شک امراض روحی و اخلاقی، زیان بارتر از امراض جسمانی هستند.

چنانچه این بینش عمیق و کارآمد ریشه در آموزه‌های حدیثی - روایی دارد. چراکه با استناد به منابع روایی،

همچنان‌که انبیاء طبیب امراض روحی و اخلاقی و ساحت نفس انسان‌ها هستند، (ر.ک: نهج البلاغه/ خطبه ۱۰۸) پزشکان نیز طبیب امراض جسمانی‌اند و این دو به‌مثابه مؤلفه‌هایی همسو و هم‌راستا، مورد توجه طب و طبابت در عالم اسلام است؛ بنابراین همان‌طور که طبیب روح همواره به سلامت جسم هم توجه دارد، در سنت اسلامی و در حیات علمی پزشکان مسلمان، طبیب جسم نیز علاوه بر مداوای کالبد بیمار، می‌بایست به سلامت و طهارت روح بیمار توجه نماید.

چنانچه به اذعان برخی پزشکان اسلامی هرگاه طبیب، شافی جسم و روح انسان باشد، متشبه به افعال خداوند خواهد بود. در این راستا نوشته‌اند: «و الطیب الفاضل یقدر علی صلاح النفس و البدن جمیعاً؛ فإذن الطیب یتحقق إن یتحقق فیہ إنه المتشبه بأفعال الباری تعالی بحسب طاقته». (۲۴) این بدین معنا که می‌بایست طبیب فرهیخته بر متشخص خیر و صلاح نفس و بدن هر دو اشراف داشته باشد؛ بنابراین طبیب شایسته به میزان توانایی و طاقت خود به دنبال تشبه به افعال پروردگار متعال است. (۲۵)

اذعان به هدف‌داری خلقت اعضای بدن در مکتوبات پزشکی

بازبینی آراء و نکته نظرات اندیشمندان پزشک در جهان اسلام نشان می‌دهد بیان گزاره‌های اعتقادی در حیات علمی پزشکان مسلمان، صرفاً در لابه‌لای اندیشه‌های فلسفی و آراء تربیتی آنان محدود نمانده، بلکه باورهای دینی آنان پیوسته تقریرهای خدامحور و بهره‌مندی از ادبیات توحیدی را در حین مشاهدات بالینی و حتی در تحقیقات تجربی و آزمایشگاهی، به منصفه ظهور رسانده است. مکتوباتی خدایی همراه با تعظیم پزشک در برابر عظمت الهی که بارها در متون تاریخی به چشم می‌خورد. بطوریکه بسیاری از پزشکان اسلامی در رابطه با تشریح ساختمان یک ارگان و یا به دنبال اشاره به وظائف

عضوی از بدن، با رؤیت آثار قدرت حضرت حق و هدف‌داری در خلقت ارگان‌ها و یا ساختار بدن انسان، عنان اختیار را از کف داده و در لابه‌لای متون و رسالات طبی، بارها شروع به ستودن خالق متعال می‌نمایند. ابن‌سینا در کتاب القانون فی طب، وقتی به هدف‌داری در ساختمان روده‌ها می‌رسد می‌نویسد: «خداوند تبارک‌وتعالی که نام او فرخنده‌ترین نام‌ها و احکامش عادلانه‌ترین احکام است... روده‌ها را در تعداد زیاد و دارای پیچ‌وخم و چنبر زده آفریده است. این در حالی است که اگر روده انسان یکی بود و یا کوتاه‌تر از این بود، فاصله میان غذای فروداده از گلو تا معده چندان نبود که انسان از آن بیاساید؛ چراکه غذا چنان سریع به انتهای روده می‌رسید که اندرون همیشه تهی می‌ماند و آدمی پیوسته و بدون وقفه به خوردن غذا اشتغال داشت و درعین حال می‌بایست دائماً مشغول بیرون دادن مدفوع باشد... به علاوه خداوند تعالی پیچ‌درپیچ‌هایی در روده‌ها به وجود آورده است؛ تا اگر ماده غذایی در جزئی از اجزای روده بدون برخورد با دهانه رگ مکنده جلو رود، در قسمتی دیگر با بخشی دیگر از رگ‌های مکنده از روده مواجه شوند؛ تا آن ماده غذایی که از دسترس بعضی رگ‌ها خارج شده، رگ‌های دیگری بر سر راهش باشند و آن را دریابند. (۲۶)

این پزشک بزرگ با مشاهده هدف‌داری در خلقت مثانه، بلافاصله سر تعظیم به درگاه الهی فرود آورده و این چنین می‌نگارد: «آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری، کارگاه وجود انسان را چنان با دقت آفریده که هیچ نقصی در آن وارد نیست. هر چیز را در اندازه‌ای که لازم بوده، بدون کم‌وکاست و بدون فزونی در این دستگاه قرار داده است... به‌راستی کسی جز او سزاوار پرستش نیست. چنانکه برای تفاله ریختنی، آوندی طرح‌ریزی نموده است که تفاله و ماده بیرون ریختنی پرمایه، به تدریج در آن جمع آید و در وقت لازم و بایسته به یک‌باره بیرون داده شود؛ تا اینکه انسان ناچار

نباشد که همیشه به اجابت مزاج بنشیند... به علاوه ستایش از آن آفریدگاری است که برای جابجا کردن آب بی‌مصرف و زائد در جسم انسان، حوضچه ماندنی (مثانه) خلق کرده است؛ بطوریکه آب بیرون دادنی (زائد)، کم‌کم در آن ریزد و در وقت لازم، همه‌اش به یک‌باره بیرون داده شود. نه اینکه انسان هر دقیقه و ساعتی به دفع ادرار سرگرم باشد، چنانچه مبتلایان به تکرار ادرار چنین‌اند. (۲۷)

خداوند که توانایی‌اش سزاوار ستایش است - گلو ماندنی را برای دفع ماده آبی دفع‌شدنی، رو به سوی مجرای خروجی ادرار قرار داده است. این گلو مانند - که تنبوشه ایست - از مثانه تا آلت بول ریز، به خارج ادامه دارد و دارای چندین پیچ‌وخم است. لیکن حکمت الهی در خلق این پیچ‌وخم‌ها این است که ماده آبی به یک‌باره و همگی به بیرون راه نیابد... و این چنین است که در خلقت نرینه، این پیچ‌وخم‌های تنبوشه بیشتر از آن است که در مادینه مشاهده می‌گردد. (۲۸)

ابن‌سینا بینش توحیدی خود را درباره مراحل بالینی حین تولد نوزاد این چنین می‌نویسد: «ظاهراً می‌توان گفت که به هنگام تولد، طبیعت و نیروی تشکیل‌دهنده جنین به کمک پرورده خود می‌آید. چنانچه این نیروها، مفاصل اطراف زهدان (رحم) را از هم جدا می‌سازند و آن را از هر سو کش می‌دهند. در نتیجه چنان گشاد می‌شود که هرگز در غیر حالت بیرون دادن جنین، این گشادی را نمی‌بیند؛ همین‌که زهدان از جنین فارغ شد، مفاصل همواره همراه اوست؛ این‌ها همه در حالی است که جنین هیچ‌گاه بر نمودن و بالیدن خود آگاه نیست. (۲۹)

ابن‌سینا با مشاهده این عظمت الهی و آیات خلقت، بی‌اختیار در لابه‌لای مضامین پزشکی خویش، چند آیه از سوره مؤمنون را نیز در متن اصلی کتاب و نه به‌عنوان زیرنویس، درج می‌کند و سپس تشریح مطلب علمی خویش را ادامه می‌کند.

اقرار به هدف‌مندی خلقت اعضای انسان در حین مطالعات رازی نیز چشمگیر و قابل تأمل است. وی در مشاهدات طبی

گزاره‌های اعتقادی پزشکان مسلمان با استناد به متون تاریخ طب اسلامی

خویش، وقتی به تشریح نخاع می‌رسد به ستایش پروردگار پرداخته و می‌نویسد: «آفریدگاری که نامش بلند و گرمی است، نخاع را به همان طریق که جویی از چشمه جدا می‌شود، از مغز جدا کرد و به بخش‌های زیرین بدن بخشید؛ تا سهم و حصه اعصابی که در اطراف و اکناف بدن هستند از آن انشعاب برداشته شود و هر یک به تناسب تعادل و پیوستگی با اندام‌ها، به سهم خود برسد. از این ضرورت است که ستون پشت را برای نخاع به شکل مجزا و گذرگاه محفوظی قرارداد. (۹)

رازی در بحث مزاج‌ها نوشته است: «بدان که ایزد توانا هر جاننداری و هر اندامی را مزاجی بخشیده است؛ که به آن سزاوار است. چونان که این مزاج با توان و تحمل وی سازگار بوده و با احوال و کردارش متناسب است. بی‌تردید خداوند متعال معتدل‌ترین مزاج جهان هستی را به انسان ارزانی داشته است. مزاج انسان مناسب نیروی او و متناسب با کنش‌ها و واکنش‌های اوست. به علاوه هر اندامی را مزاجی بخشیده است که برانزده آن اندام است. به نحوی که برخی از اندام‌ها را گرم، بعضی از آن‌ها را سرد، عده‌ای را خشک و تعدادی را مرطوب آفریده است. (۵)

حکیم جرجانی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی هدف‌داری در تقعر کف پاها را این‌چنین توصیف نمود:

«خداوند کف پای آدمی را از سوی اندرون تهی کرده و از زمین برداشته تا در وقت رفتن، پاها سبک‌تر از زمین جدا شده و بتوان دوید... و در ادامه می‌نویسد: فِتْبَارُكَ اللَّهُ اِحْسَنُ الخالقین». (۲۳)

بی‌تردید این‌چنین توصیف‌های عارفانه از منظر پزشکان بزرگ، پیوسته به ارتباط معنادار و جهت‌بخش دانش پزشکی با آموزه‌های معنوی و همچنین ضرورت نگرش‌های ربانی در عالم طب و طبابت، اذعان و تصریح دارند. تا جائیکه شاید بتوان آثار پزشکان مسلمانی همچون ابن‌سینا، رازی و ... را در دفتر شناخت اسماء و صفات الهی قرارداد؛ اما آنچه به نظر

می‌رسد آن است که متأسفانه امروزه حیات علم پزشکی گاهی در مفروضات و مشاهدات بالینی متوقف مانده است؛ بطوریکه حتی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی نیز با اتکاء صرف به ترجمه‌های سرد و بی‌روح از کتب و مقالات غربی، چنین حالات متعبدانه و خاضعانه در نوشته‌های پزشکی نوین کمتر به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

مراجعه به متون تاریخ طب اسلامی نشان می‌دهد که یافته‌های دقیق و صحیح دانش پزشکی در سرزمین‌های اسلامی نه تنها در تعارض و تقابل با گزاره‌های عقیدتی قرار نگرفته‌اند، بلکه علم طب و طبابت هویت بارز خویش را در چارچوب مؤلفه‌های معرفتی و عقاید اسلامی عینیت بخشیده است. بدین معنا که رسالت اصلی پزشکان اسلامی، منحصر در شیوه‌های دقیق تجربی، تجهیزات و مهارت‌های حرفه‌ای نیست؛ بلکه پیوند عمیق و کارآمد تحقیقات بالینی و مشاهده‌ای با گزاره‌های عقیدتی و باورهای ربانی، می‌تواند سیمایی واضح از سازگاری علم و دین بیافریند. ترسیم عینی که به عنوان مٌصحفی پایدار، قادر خواهد بود تا ساحت وجودی طب و طبابت را در طریق ادراک صحیح و متعبدانه از اسرار خلقت قرار داده و همواره غایت بندگی را سرلوحه حرفه پزشکی قرار دهد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد مطالعاتی نوآورانه در زمینه آراء و نظریات پزشکان مسلمان صورت گیرد؛ تا با احصاء دیدگاه‌های توحید مدارانه پزشکان مسلمان، ضمن معرفی الزامات تئوری و همچنین دستاوردهای عملی در میراث کهن، به بازنگری اصالت‌ها و نیز قواعد حاکم معرفتی در پزشکی نوین بپردازد.

لحاظ شده است.

تضاد منافع

لازم به ذکر است که تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر کلیه موازین اخلاقی در انجام مطالعات

Reference

- Nasr, Hossein, Science and Civilization in Islam, translated by Ahmad Aram, Tehran: Scientific and Cultural Publications, third edition, 1386
- Nizami Prozodi, Ahmad, four essays, edited by Mohammad Qazvini, edited by Mohammad Moin, Armaghan, first edition, 1327
- Ibn Sina, Hossein Ibn Abdullah, Al-Qanun fi Tab, Beirut Edition: Dar Ehiya al-Turath al-Arabi. 1426
- Qutb al-Din Shirazi, Mahmoud bin Masoud, Kitab fi bayan al-Hajja ili al-Tab wa al-Idaqi and their guardians, Tehran: Iran University of Medical Sciences, first edition. 1387
- Razi, Muhammad bin Zakaria, Man La Yahzara al-Tabib, Cairo: Dar Rekabi Llanchar, first edition. 1419.
- Ibn Azraq, Ibrahim, Facilitation of benefits in medicine and wisdom, vol. 1, Muscat, Asim al-Thaqafa al-Arabiya, first edition, 1427 AH.
- Rahavi, Ishaq bin Ali, Adab al-Tabib, Tehran: Iran University of Medical Sciences, 2017
- Ibn Sina, Hossein Ibn Abdallah, Letters of Ibn Sina, Istanbul: Ebrahim Khoroz Press, first edition, 1953
- Razi, Mohammad Bin Zakaria, Al-Mansouri fi al-Tabb, edited by Hazem Bekri Siddiqi, translated by Zakir, Mohammad Ibrahim, Tehran: Tehran University of Medical Sciences, first edition. 1387
- Razi, Muhammad bin Zakaria, Al-Sirah al-Falsafiyah, translated by Abbas Iqbal, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education, second edition, 1371
- A Collection of Writers, Baharestan Treasure, Volume 1, Tehran: Museum Library and Islamic Council Documents Center, 1st edition, 1386
- A group of authors, Six Old Medical Treatises, Qom: Islamic Repository Assembly, 1st edition, 2018
- Razi, Muhammad bin Zakaria, Bara al-Sa'ah (Immediate improvement), translated by Ahmed Sharif Tankabani, Isfahan, Javid, first edition, 1333
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1428 AH), al-Rahma fi al-Tib wa al-Hikma, Beirut: Al-Maktabeh al-Asriya, first edition.
- Jamali Yazdi, Motahar bin Mohammad, Farrokhtameh, Tehran: Amir Kabir, first edition, 1386
- Khomeini, Ruhollah, Explication of the Issues, Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, 7th edition, 1387.
- Qorashi Ibn Al-Ikhwah, Ziauddin Muhammad, Municipal Law, translated by Jafar Shaar, Scientific and Cultural, Tehran, 2nd edition, 1360
- Majlesi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar, volume one, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. 1403
- Tousi, Khawaja Nasiruddin, Talkhis al-Moshal, Beirut, Dar al-Adoza, second edition. 1405
- The Holy Quran
- Ibn Sina, Hossein Ibn Abdullah, Vasculology (treatise on the pulse), Seyyed Mohammad Meshkoh, (introduction) Mehdi Mohaghegh, Tehran: Bo Ali Sina University, 2013
- Qazvini, Abdul Karim, translation and description of hygiene of Sheikh Al-Raees, Tehran: Iran University of Medical Sciences, first edition, 1387
- Ibn Sina, Hossein bin Abdullah, Al-Isharat wa Al-Tanbihat, commentary by Khwaja Nasir al-Din Tusi and Qutb al-Din Razi, vol. 3, Qom: Balaghat, first edition, 1375
- Jarjani, Ismail bin Hasan, Khozarah Khwarazmshahi, first volume, Qom: Ihya Institute of Natural Medicine, first edition. 1391
- Ibn Jami, Maqala al-Salahiyah fi Ihya al-Sanaa al-Tabiyyah, edited by Hartmut Fandrich and Yesbaden, volume eleven, no. 1983
- Antaki, Daoud bin Omar, Tazkira Oli al-Albab - Al-Jamae for Al-Ajab Al-Ajab, Beirut: Al-Alami Institute for Publications. 1417
- Hatami H. (2004), Monotheistic Literature in canon of Medicine In: An Overview of Iranian Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Arimand publishers, 2004:115-37. (Cited 2013 February 20)
- Sina H (Avicenna, 980-1037b). Book 1, Cited 2013 February
A. Vol.III(SI). Tehran: Soroosh; 1988; 513-420
- Available from: <http://www.elib.hbi.ir/Persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-01/CANON-FAR-02%202.pdf>.
29. Avicenna. Canon of Medicine, Translated into Persian by sharafkandy

Belief Statements of Muslim Doctors Referring to the Texts of the History of Islamic Medicine

Saeed Hamidi

Abstract

The study of the medical history texts shows that the works of Islamic doctors were not just medical encyclopedias, based on medical prescriptions and treatment of diseases, but they left writings in the place of religious thinking, which in addition to presenting scientific and experimental achievements, their identity in the framework of beliefs. They have defined religion. As various texts in the field of medicine, from the prevention and identification of disease to its treatment, are all influenced by the divine worldview and religious beliefs of Islamic doctors, and since the statements of belief emanating from their opinions have been part of the prominent traditions in the scientific life of Islamic medicine, the investigation of this issue can be Re-examining the alignment of the scientific relations of the old doctors with their ideological indicators will objectify a desirable and monotheistic model with the aim of localizing medical knowledge.

The present research, which was carried out with a descriptive-analytical method, tried to identify the religious views of Islamic doctors and portray comprehensive and efficient propositions for modern medicine, and by emphasizing the religious character of the doctors of the past, the medical profession will continue to be steadfast in the orbit of faith and practice.

Keywords: Muslim Doctors, Statements of Faith, Historical Sources